



دقت متن روان‌خوانی را بخوان و با توجه به آن، به سؤال‌ها جواب بده.



آقای احمدی معلم زحمت‌کش و موفق است. او می‌خواهد دانش آموزان

کلاسش را برای یک اردوی تفریحی و آموزشی به ساحل ببرد.

آن‌ها صبح زود به سمت ساحل حرکت کردند. آقای احمدی به همی دانش آموزان محبت

می‌کند. او با حوصله کنار دانش آموزان نشست و بعد از احوال‌پرسی کمی درباره‌ی حیوان‌های

مختلف صحبت کرد.

او به دانش آموزان یاد داد که به حلزون حیوان خانه به دوش می‌گویند.

او درباره‌ی حیوانات وحشی مثل تمساح به دانش آموزان هشدار داد و گفت: «نباید به حیوانات

وحشی نزدیک شویم چون ممکن است به ما حمله کنند.»

او درباره‌ی حشره‌هایی مثل زنبور عسل نیز حرف زد و گفت: «ما نباید مزاحم حیوانات شویم.»

آقای معلم احساس کرد که دانش آموزان خسته شده‌اند؛ بنابراین به آن‌ها گفت که می‌توانند

کمی استراحت کنند و صبحانه بخورند.

دانش آموزان بسیار خوش حال شدند و از آقای احمدی تشکر کردند.

یکی از دانش آموزان به نام حمید برای تمام بچه‌ها حلوا آورده بود.

بچه‌ها حلوا را خوردند و از حمید تشکر کردند.

